

و در مقامی حضرت موجود در سبب و علتِ اوّلیّه سکون و راحت امم و عمار عالم میفرماید: لابدّ بر این است مجمع بزرگی در ارض برپا شود و ملوک و سلاطین در آن مجمع مفاوضه در صلح اکبر نمایند و آن این است که دول عظیمه برای آسایش عالم بصلح محکم متشبّث شوند و اگر ملکی بر ملکی برخیزد جمیع متفقاً بر منع قیام نمایند در این صورت عالم محتاج بمهمات حریّه و صفوف عسکریّه نبوده و نیست الاّ علی قدر یحفظون به ممالکهم و بلدانهم اینست سبب آسایش دولت و رعیت و مملکت انشاءالله ملوک و سلاطین که مرایای اسم عزیز الهیند باین مقام فائز شوند و عالم را از سطوت ظلم محفوظ دارند...

عنقریب جمیع اهل عالم بیک لسان و یک خطّ مزین در این صورت هر نفسی بهر بلدی توجّه نماید مثل آن است که در بیت خود وارد شده این امور لازم و واجب هر ذی بصر و سمعی باید جهد نماید تا اسباب آنچه ذکر شد از عالم الفاظ و اقوال بعرضه شهود و ظهور آید...

امروز انسان کسی است که بخدمت جمیع من علی الأرض قیام نماید حضرت موجود میفرماید: "طوبی لمن أصبح قائماً على خدمة الأمم"، و در مقام دیگر میفرماید: "ليس الفخر لمن يحبّ الوطن بل لمن يحبّ العالم" انتهى. فی الحقیقه عالم یک وطن محسوب است و من علی الأرض اهل آن...